خبر

دو مسوول ذیربط در پی تهدید ترکمنستان به قطع صادرات گاز اعلام کردند؛

گلستانی ها با قطع گاز مواجه نخواهند شد

در پی تهدید کشور ترکمنستان به قطع صادرات گاز بـه ایران؛ مدیرکل دفتـر مدیریت بحران استانداری گلستان گفت که تمهیدات لازم برای جلوگیری از قطع احتمالی انشعابات خانگی مردم استان اندیشیده شده و جای نگرانی وجود ندارد.به گزارش ایرنـا صادقعلی مقدم اظهار داشـت: با این وجود لازم اسـت مردم استان گلستان با رعایت صرفه جویی از مصرف بی رویه پرهیز کنند تا مشکلی پدید نیاید.

در همیـن رابطه سـخنگو و مسـئول روابط عمومـی شـرکت گاز گلسـتان نیـز گفت: مشکلی برای مشـترکان گاز این استان بابت قطع احتمالی گاز از سوی کشور ترکمنستان به وجود نخواهد آمد.سـید جواد موسـوی اظهار داشت: در صورت قطع گاز از سـوی کشور ترکمنستان و به وجود آمدن افت فشار، مشترکان استان گلسـتان با صرفه جویی می توانند آن را جبران کنند.به گفته وی مشترکان گاز حتی با یک درجه کاهش دمای منزل خود می توانند ۶ درصد صرفه جویی داشته باشند.

عراقی معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت گاز در سفر به گلستان از ایستگاه گاز ورودی از کشور ترکمنستان در منطقه قلعه جیق شهرستان آق قلا دیدن کرد.گاز ورودی از ترکمنستان به ایستگاه قلعه جیق شهرستان آق قلا تامین کننده بخشی از گاز مشترکان در استان های شمالی گلسـتان و مازندران اسـت.اختلاف حقوقی و درخواست ترکمنسـتان برای پرداخت ۱٫۸ میلیون دلاری از ایران مازاد بر قرارداد منعقده باعث تهدید این کشور همسایه به قطع گاز شده اسـت.شـرکت گاز گلسـتان علاوه بر مشترکان واحدهای تولیـدی و صنعتی و جایگاه های عرضه سوخت فشرده ۵۰۰ هزار مشترک خانگی دارد.

جشنواره اقوام حرکتی فرهنگی برای شناخت ایران در جهان است

سـفیر هندوسـتان در ایران گفت: جشنواره فرهنگ اقـوام یک حرکت فرهنگی برای شناخت ایران و فرهنگ آن در جهان است.به گزارش خبرنگار مهر، سائوراب کومار عصر چهارشنبه در دهمین جشـنواره بین المللی فرهنگ اقوام ایران زمین که به میزبانی گلستان آغاز شده است، اظهار کرد: در این جشنواره اقوام، فرهنگ، اصالت و تاریخ ایران جشـن گرفت شده است.وی این جشنواره را نشان دهنده فرهنگ اصیل ایرانی دانست و افزود: هندوسـتان هم مانند ایران دارای تمدن ها و اقوام مختلف است که تنها با اتحاد می توانند به قدرت واقعی دست یابد.سفیر هندوستان در ایران ادامه داد: ارتباط ایران و اندوسـتان به سال های بسـیار دور باز می گردد و روز به روز در حال بهتر شـدن است.وی تصریح کرد: جشنواره فرهنگ اقوام فرصتی است که سفرا و مردم سایر کشورها بتوانند با فرهنگ های مختلف ایران آشنا شده و از نزدیک آن را لمس کرده و با آن آشنا شوند.

حماسه ۹ دی برگ زرینی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران است

فرمانده سپاه نینوا استان گلستان با بیان اینکه حماسـه ۹ دی برگ زرینی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران است، تصریح کرد: نهم دی ماه ۸۸ حماسـه بزرگ حضور مردم در صحنه دفاع از ولایت فقیه و دسـتاوردهای انقلاب اسلامی ایران بود.به گزارش خبرنگار ایرنا، سـردار رحمت الله صادقی روز پنجشنبه در آیین بزرگداشت سالروز حماسه نهم دی در شهرسـتان کلاله در میدان مرکزی این شهر، با بیان اینکه این حماسـه به شما تعلق دارد، افزود: در این حماسه شما مردم، خودجوش بـه صحنه آمده و از ولایـت فقیه، رهبری و انقلاب اسلامی حمایت کردید.

وی پاسداشـت حماسه ۹ دی را مورد تاکید قرارداد و ادامه داد: در مدت ۳۸سـال پس از پیروی انقلاب اسـلامی ، نظام سـلطه برای سـاقط کردن انقلاب همه نوع توطئه اعم از جنگ، ترورها، اختلافات، درگیری های قومی و قبیله‌ای، ایجاد شرایط ناامنی و تحریم ها را تحمیل کرد اما شما با درایت و بصیرت، همه راهبردهای نظام سلطه و استکبار جهانی را با شکست روبرو ساختید.

لزوم جلوگیری از ساخت و ساز در مناطق پرخطر

در نشست بررسی ایمنی ساختمان‌ها در مقابله با زلزله، بر زلزله خیز بودن گلستان و لزوم جلوگیری از ساخت و سازهایی که از طریق ماده ۱۰۰ در استان انجام می‌شوند تاکید شـد.به گزارش مهر، نشسـت تخصصی بررسی ایمنی ساختمان‌های گلستان در مقابله با زلزله، بعدازظهر سه شنبه با حضور رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان، مدیرکل راه و شهرسـازی، مدیـرکل مدیریت بحران و جمعی از مهندسین ساختمان استان در موسسه میرداماد گرگان برگزار شد.رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان گلسـتان در این نشسـت اظهار کرد: اگر می‌خواهیم در مقابله با زلزله ایمن باشـیم، باید ساختمان‌ها را درست و مهندسی شده بسـازیم.احمد تجری افزود: در پروسه ساختمان سـازی طراح، ناظر و سازندگان ذیصلاح باید مانند یک زنجیره به هم متصل باشند و ساخت و سازها بر اساس مقررات انجام شود.وی تصریح کرد: هنوز بسیاری از ساختمان‌های استان از طریق ماده ۱۰۰ احداث می‌شوند و باید نسبت به اینگونه ساخت و سازها حساس باشیم.

تجری ادامه داد: وقتی سـاختمانی طراح، ناظر و مجری ذیصلاح نداشته باشد، به طور قطع دچار ایراد خواهد شد و از دسـتگاه‌های مرتبط تقاضا دارم تا شرایط به وجود بیاید که هیچ ساختمانی از طریق ماده ۱۰۰ ساخته نشود.

وی یادآور شد: ساختمان‌هایی که ساخته می‌شوند باید در مقابله با زلزله و دیگر حوادث ایمنی لازم را داشته باشند تا شاهد خسارات جبران ناپذیر نباشیم.رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان با اشاره به برخی فعالیت‌های این سازمان گفت: یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سازمان نظام مهندسی ساختمان استان در بخش فرهنگ سازی و آموزش بوده که در این بخش لوح‌های فشـرده و مجله آموزشـی ارائه شـده است.تجری خاطرنشـان کرد: در رده‌های سنی پایین نیز مسابقات نقاشی و داستان نویسی بـا موضوع ایمنی سـاختمان‌ها در مقابله با زلزله برگزار خواهیـم کرد.وی ادامه داد: همچنین به مناسـبت پنجم اسـفند به عنوان روز مهندس، از کتاب «کاهش ایرادات ساختمانی در مقابله با زلزله» رونمایی می‌شود.

باید به تاب آوری شهرها توجه کنیم

مدیرکل راه و شهرسازی گلستان نیز در این نشست گفت: تاریخ کشور ما همواره با موضوع زلزله عجین بوده و از لحاظ جغرافیایی در منطقه حادثه خیزی قرار داریم.

ابراهیم مبارک قدم افزود: در اکثر نقاط دنیا برای مقابله با زلزله، به بخش آموزش اهمیت زیادی می‌دهند و وظیفه ما مسئولان است که نسبت به این موضوع حساس باشیم تا این حساسیت به جامعه هم ورود پیدا کند.

وی تصریح کرد: نیمی از استان گلستان در پهنه قرمز زلزله قـرار دارد و روز ملی ایمنی در برابر زلزله فرصتی فراهم می‌کند تا ضمن گرامیداشت خاطره قربانیان زلزله بم، زمینه آگاه سازی عمومی و شاخص‌های ایمنی را ایجاد کنیم.

مدیرکل راه و شهرسـازی گلستان با اشاره به شعار روز ملی ایمنی در برابر زلزله، اظهار کرد: «آگاهی از مخاطرات طبیعی و ارتقای تاب آوری جامعه» شعار روز ملی ایمنی در برابر زلزله اسـت و بایـد از توانمندی‌های خود آگاه باشیم تا زمینه کاهش آسیب پذیری بافت‌های شهری را رقم بزنیم.مبارک قدم با بیان اینکه زلزله و سیل خسارات زیادی به کشور ما وارد کرده، خاطرنشان کرد: مشکلات ساخت و ساز در بسترهای نامناسب و بافت‌های فرسوده به دلیل نابسامانی ساخت و سازها و مقاومت اندک بناها، توجه به این بناها را در اولویت قرار می‌دهد.وی یادآور شد: برای اینکه بلایای طبیعی را کاهش دهیم باید به تاب آوری شـهرها توجه کنیم و بدانیم که چه بخش‌هایی از شهر قابل ساخت و ساز نیست.مبارک قدم تصریح کرد: جنوب گلسـتان و نقاط دشت و جلگه‌ای در پهنه خطر شـدیدتری برای زلزله هستند و هر چه به سمت شمال استان می‌رویم این پهنه کم خطرتر می‌شود.به گفته وی، ۲۲ دستگاه شتاب نگار در استان گلستان توسط وزارت راه و شهرسازی برای زلزله نگاری نصب شده است.

هیچ پیشرفتی در مقابله با زلزله نداشتیم

مدیرکل مدیریت بحران گلستان نیز در این نشست گفت: کشور ما همواره هنگام زلزله تلفات زیادی داشته و نسبت به سال‌های گذشته هیچ پیشرفتی در مقابله با آن نداشتیم.

صادقعلی مقدم افزود: انتخاب سکونتگاه‌ها، نحوه ساخت و ساز و مدیریت در زمان حادثه، تاثیر زیادی در کاهش حوادث دارد و متاسـفانه اقدامات خوبی در این زمینه‌ها انجام نشـده اسـت.وی ادامه داد: با وجود تاکید زیاد در مصوبات طرح هادی روستایی و جامع شـهری، مردم همچنان در مناطق پرخطر شـهری اقدام به سـاخت و ساز می‌کنند.مدیرکل مدیریت بحران گلستان با اشاره به سـاخت و سازهای مردم از طریق ماده ۱۰۰، خاطرنشان کرد: مردم به دلیل نداشـتن سـند در خیلی از شهرها به شهرداری مراجعه کردند که پروانه ساخت به آنها داده نشد و به سـمت ساخت و سازهای غیرمجاز رفتند.مقدم در خصوص مهاجرت بی رویه مردم به استان گلستان گفت: هیچ قانون و برنامه‌ای بـرای مهاجرت بی رویه مردم از استان‌های همجوار به گلستان نداریم و اکثر آنها به مناطق پرخطر مهاجرت کرده‌اند.

وی با بیان اینکه در گلسـتان ساخت و سازهای زیادی در مناطق پرخطر انجام می‌شود، اظهار کرد: در اکثر نقاط دنیا بارگذاری روی شیروان‌ها انجام نمی‌شود، زیرا شیروان ها جزو مناطق پرخطر هستند، اما در استان گلستان این ساخت و سازها بسیار است و در اکثر این مناطق ساخت و سازها با فرآیند غلط انجام می‌شود.

به گفته وی، ساخت و سازهای غیرمجاز در مناطق ییلاقی نیز همچنان ادامه دارد و ساختمان‌های چندین طبقه بدون طراحی و نظارت احداث می‌شوند.

سیاست نظام، افزایش ظرفیت گردشگری در کشور است

معاون امور مجلس، حقوقی و استان های سازمان میراث فرهنگی، صنایع دسـتی و گردشـگری گفت که امروز سیاسـت کلی نظام و تاکید مقام معظم رهبری، افزایش ظرفیت گردشـگری داخلی به ۵ برابر وضعیت کنونی است.به گزارش ایرنا میرهادی قره سید رومیانی در افتتاحیه دهمین جشنواره بین المللی فرهنگ اقوام ایران زمین در گرگان، اظهار داشت: سـازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به بحث گردشگری در استان‌ها توجه ویژه دارد تا هرچه زودتر تاثیر آن را در سایر بخش های جامعه شاهد باشـیم.وی ابراز امیدواری کرد که در آینده نزدیک با فاصله گرفتن از اقتصاد نفتی، صنعت گردشگری رونق یافته و توسـعه آن را در اقتصاد کشـور ملموس شود.وی با یادآوری مزیت های نسبی گلستان در حوزه گردشگری گفت: این اسـتان با پی گیری مدیران ارشد خود در صدد عملیاتی شدن سیاست کلی نظام برای رونق هر چه بیشتر گردشگری است.به گفته قره سید رومیانی، استان گلستان همه ساله به ۱۸ میلیون نفر گردشگر و مسافر عبوری از اقصی نقاط کشور خدمات ارایه می دهد که از این ظرفیت مناسب در رونق گردشگری می تواند بیشتر از این اسـتفاده کند.استاندار گلستان نیز گفت که امروز زیست مسالمت آمیز اقوام ساکن در این استان، فرصتی برای توسعه منطقه شده است.حسن صادقلو با بیان اینکه همگرایی اقوام ساکن در گلستان می تواند آن را حتی به عنوان مدل جهانی معرفی کند،افزود: جشنواره بین المللی فرهنگ اقوام ایران زمین در گرگان می تواند مدل و بستری برای همگرایی ملت‌ها شود.سفیر هندوستان در جمهوری اسلامی ایران نیز در این مراسم گفت ویژگی بارز کشور هنـد نیز برخورداری از تمدن کهـن و اقوام مختلف آن است. سارا کومار اظهار داشت: هندوستان نیز مثل ایران دارای چنین ویژگی منحصر به فرد بوده و اعتماد به اقوام مختلف، قدرت مضاعفی به هر کشور می دهد.

وی به رابطه دیرینه هندوستان و ایران اشاره کرد و گفت: این رابطه خوب روز به روز گسترده و بهتر می شود.

آسیب های اجتماعی گسترش یافته است

افزایش آسیب های اجتماعی در جامعه و کسب رتبه اول گلستان در برخی جرایم از مسائل مطرح شده در نشست مشترک دستگاه قضایی گلستان با علمای اهل سنت بود. به گزارش خبرنگار مهر، رئیس کل دادگستری گلستان، عصر چهارشنبه در نشست مشترک دستگاه های قضایی با علماء اهل سنت، گفت: در جلسه ای که برای برگزاری اجلاسـیه چهار هزار شهید استان گلستان با رهبر معظم انقلاب اسلامی داشتیم، ایشـان از وحدتی که در استان حاکم اسـت اعلام رضایت داشتند و ما خدا را برای این امر شاکریم.هاشمیان افزود: ما برای داشتن اقوام مختلف فرهنگی و سیاسی که در استان داریم نمونه هستیم.وی گفت: باید از این فرصت کنار هم بودن اقوام مختلف و وحدتی که وجود دارد بهره ببریم و این تکلیفی هم برای علما و هم برای قضات جامعه ایجاد می کند.

رییس کل دادگستری گلستان با بیان اینکه خروجی این جلسه باید کاهش آسیب های اجتماعی باشد، تاکید کرد: استان گلستان در بعضی از جرائم کشور دارای رتبه اول اسـت و این چهره اسـتان را کدر می کند؛ این جلسات بایـد کمک کنند به کاهش این مشـکلات و معضلات. هاشـمیان افزود: احکامی که در دین اسلام و قرآن بیان شـده نشـان دهنده این بوده که همه دنبال اصلاح مردم بوده اند.وی به بیان برخی از آمار جرائم اسـتان پرداخت و گفت: از سـال ۹۰ تا ۹۵ در ضرب و جرح عمدی که از جرائم خشـن به حسـاب می آید در کشور رتبه یک را داشـتیم ولی با اقدامات و کارهایی که انجام شـد، در ۶ ماهه اول سـال ۹۵ این رتبه به هشت کشوری رسید. رییس کل دادگستری گلستان تصریح کرد: در ۶ ماه اول امسال در «سرقت» رتبه ۶ کشوری، در «تهدید» رتبه یک کشور و در «تخریب مال» رتبه ۱۲ کشـور را داریم.هاشمیان تاکید کرد: مجازات ها قسمت اندکی از کار اسـت و بقیه احتیاج بـه کار فرهنگی دارد تا این معضلات کاهش یابد. وی در ادامه گفت: در سـال گذشـته اسـتان گلسـتان ۴۰۰هزار پرونده داشته و در کل کشـور طبق آمار اعلام شده ۱۵ میلیون پرونده ثبت شـده اسـت یعنی به ازای هر پرونده،چهار نفر و این ها عوارض متعددی دارد که یکی از آنها کاهش کیفیت کار قضات است.رییس کل دادگستری گلستان با بیان اینکه بیشترین پرونده های حقوقی، مطالبه طلب است، افزود: قباحـت خوردن مال حرام در بین مـردم در حال افتادن است و باید با این جلسات به راهکارهای مناسبی برسیم. سرپرست معاونت فرهنگی دادگستری گلستان هم گفت: این نشست هم اندیشی برای تعالی جامعه، حفظ جامعه از آسیب های اجتماعی، تعالی فرهنگ مردم منطقه توسط علما با همکاری تنگاتنگ و نزدیکتر علما و دادگستری ها و محاکم قضایی برای داشتن جامعه ای امن و سالم برگزار شده اسـت.حجت الاسلام سید محسـن رسولی افزود: سعادت آحاد جامعه مسلمان و غیر مسلمان نمی شناسد و همه مسـلمانان چه شیعه و چه سـنی از یک رسـول پیروی کرده و به سمت یک قبله نماز می خوانند.

وی تاکید کرد: یکی از نعمت های بزرگ برای جامعه، امنیت است و برای حفظ امنیت باید از بیشتر شـدن آسیب ها جلوگیری شود.سرپرست معاونت فرهنگی دادگستری گلستان تصریح کرد: قبل از اینکه نکات انحرافی و اختلافات در جامعه منعقد شود باید به سراغ آنها رفته و این وظیفه آحاد جامعه است که برای سعادتمندی خود و جامعه تلاش کرده و در این میان نقش علما و نقش رهبری کاملا مشهود است.وی گفت: رسول اکرم(ص) فرمودند علما وارث انبیا هستند و این نقش پیامبر گونه یک عالِم را در جامعه نشان می دهد.رسولی تاکید کرد: برای حفظ امنیت باید به نقش علما توجه کرد و اگر مشکل و آسـیبی وجود دارد نباید دنبال مقصر باشیم.سرپرست معاونت فرهنگی دادگستری گلستان با بیان اینکه اگر جامعه ای به انحراف کشیده شود نشان دهنده این است که علما به وظایف خود عمل نکرده اند، ادامه داد: انتظاری که از علما داریم این است که برای سلامت جامعه، ارتباط تنگاتنگی با دستگاه قضایی داشته باشند.

آسیب های اجتماعی گسترش یافته است

در این نشست رییس مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور با بیان اینکه آسیب های اجتماعی زیاد شده اند، گفت: این آسـیب ها به دو قسمت درون جامعه ای و آسیب هایی که از بیرون وارد جامعه می شوند تقسیم می شود.حجت الاسلام علی خیرخواه تاکید کرد: ما به جایگاه حاکمیتی روحانیـت و علما معتقدیم و این بـاور را داریم که هر چه باورهای جامعه تقویت شـود جامعه به سعادت دنیا و اخرت می رسـد.وی افزود: با اعلام آمارهای دستگاه قضایی ما باید دنبال راهکار باشیم و نباید این اطلاعات دست مردم باشد تا مورد سوء استفاده دشمن قرار نگیرد.رییس مرکز بزرگ اسـلامی شمال کشور با ابراز تاسف از اینکه آموزه های اسلامی در مدارس و دانشـگاه ها برگرفته از گرایشات غربی شده است، گفت: باید آموزه های دینی تقویت شده و این جایگاه روحانیت و علما در جامعه را نشان می دهد.خیرخواه با بیان اینکه در گذشته مرجع رجوع مردم برای مشکلات خود علما و روحانیون بوده ولی یکی از آسیب هایی که وارد جامعه شده،کاهش این فاصله است تاکید کرد: این نشست ها باید خروجی داشته باشد، ما امروز با فضاهای مجازی روبرو هستیم.وی تصریح کرد: باید آسیب ها برای مردم بازگو شود تا با هم اندیشی مناسب با معضلات اجتماعی مبارزه شود و این آمادگی برای نمازهای جمعه و علمای اهل سنت ما وجود دارد و این بهترین فرصت است.

مفهوم زندگی در شهرسازی کمرنگ شده است

مدیرکل راه و شهرسازی گلستان با بیان این که مفهوم زندگی در شهرسازی کمرنگ شده است گفت: اگر ما از شهر تصور مادی داشته باشیم رویکرد کاربری به خود می‌گیرد.به گزارش خبرنگار مهر، ابراهیم مبارک قدم عصر چهارشنبه در چهارمین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی که به میزبانی دانشگاه آزاد اسلامی گرگان برگزار شد، گفت: جمعیت شـهری ایران در دهه ۳۰ حدود ۶ میلیون نفر بوده و این آمار در دهه ۵۰ به رشد ۶ برابری می‌رسد، گرچه امروزه رشد جمعیت شهرها به‌شدت گذشته نیست اما همچنان در جریان است.

وی افـزود: گرچه زندگی شـهری فرصتـی را برای پیشـرفت و توسـعه فراهم آورده است اما سه مسئله و چالش اساسـی وجود دارد که با آن مواجه هستیم؛ یکی بحث قابلیت زندگی در فضاهای شـهری است؛ متأسـفانه آلودگی فضای شهری رو به گسترش است و زمانـی ما فقط در تهران شـاهد آلودگـی بودیم اما امروزه تعداد زیادی از شهرهای بزرگ کشورمان با این آلودگی درگیر هستند.مدیرکل راه و شهرسازی گلستان گفت: زمانی کودکان با اندازه‌گیری میزان برف پی به تعطیلات مدارس می‌بردند ولی حالا در شـهر تهران با دیده شدن و نشـدن برج میلاد براثر آلودگی هوا و وجود ریز گردها پی به تعطیلی مدارس می‌برند.مبارک قدم اظهار کرد: بحث ترافیک شـهری و توسعه معابر دو مشـکل دیگر اسـت که با افزایش تعداد روگذر و زیرگذرها متأسفانه نمی‌توانیم این مشکل را حل کنیم.

وی بابیان اینکه رویکرد ما در عرصه شهرسـازی باید تغییر کند، گفت: بحث هویت در عرصه شهرسـازی امری اسـت که باید به آن توجه شـود.مدیرکل راه و شهرسـازی گلسـتان اظهار کرد: اگر ما از شهر تصور مادی داشته باشیم رویکرد کاربری به خود می‌گیرد و مفهوم زندگی در شهرهای ایران بسیار مهم‌تر از ویژگی کاربری آن است.مبارک قدم بابیان اینکه ما ملتی هستیم که ادعای تمدن بالایی داریم و واقعیت هم همین‌گونه است، گفت: ثروت بزرگ ملت ما تاریخ ماست، ولی این مفهـوم تمدن با آنچه در سـاختمان‌های لوکس، مسکن مهر و حاشیه شهرها رو به افزایش است فاصله دارد.وی افـزود: باید از خود بپرسـیم آیا راهی که در پیش گرفته‌ایم تداعی‌کننده زندگی ایرانشـهری است یا نه.مبارک قدم گفت: حفظ تمدن گذشـته خمیرمایه ایرانی بودن ماسـت و درواقع خمیرمایه اصلی هویت و تمدن ماسـت اما ما فقـط به‌ظاهر آن توجه می‌کنیم و به بهانه توسعه در حال فاصله گرفتن از آن هستیم.

آگهی‌های ثبتی

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم اشرف بیگم قریشیان فرزند محمود به ش ش ۲۹۷۴ صادره سبزوار و کد ملی ۰۷۹۰۲۳۰۵۰۸۶ با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفترخانه شماره ۲۲ گرگان ادعا ء نموده که سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۴۵۹٫۳۵ مترمربع دارای پلاک شماره ۴۰۲ فرعی از ۸۹ –اصلی واقع در بخش سه حوزه ثبتی گرگان ذیل ثبت ۲۱۴۹۸ صفحه ۲۹۳ جلد ۱۳۰ به نام مالک فوق مسـبوق به سابقه ثبت و صدور سند بوده و سپس بموجب اسـناد رهنی ۱۰۹۹۶و۱۰۹۹۷ مـورخ ۱۳۹۲/۱/۱۰ دفترخانه ۱۱۳ گرگان در رهن بانک مسـکن می باشد بعلت جابجائی مفقود شده و نامبرده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده است . از این رو باستناد به ماده ۱۲۰ –اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سـند مالکیت نزد خود باشـد ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

کفیل اداره ثبت اسناد و املاک گرگان –محمد اسماعیل پور– ۶۶۲۸ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شـشـدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مسـاحت ۲۰۰ مترمربع دارای پلاک ۲۵۷۸ فرعی از ۱۰۸اصلی بخش ۳ ثبت گرگان ملکی صفیه صادقی نژاد گرجی محله فرزند یداله در سـاعت ۱۰/۳۰ صبح روز شـنبه ۱۳۹۵/۱۱/۹ در محل وقوع ملک واقع درگرگان بلوار صیاد بعمـل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسـبت بـه حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه برآن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور –کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان – ۶۶۳۷ م الف

نسـخه‌اینتـرنتی
روزنامه‌گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

لـبه‌ی جدول

شهرانجیلی(۹)

ناهیداحمدپناه

در لبه ی جدول نگاه تازه ای است به گوشه گوشه ی شهر گرگان همان چیزها که چشم به دیدنشان آمخته شده و دیگر نمیبینندشان همان روزمرگی شهر در کنار معرفی گوشه ، کنار شهرکوشیده ام دلشوره های آدم ها از نگاهشان بخوانم و بنویسم با تعهد به راه رفتن درلبه جدول،کوتاه‌نویسی و نگارش فارسی تاآنجاکه خواننده رابه بیزاری نکشاند باهم در لبه ی جدول قدم بزنیم

دل به دریا می زنم هر قانونی تبصره ای می خورد و رها می شوی دنیا که به آخرش نمی رسد، آدینه اسـت و من از زیر مجنون ترین بید رد شده ام. همان که سر بلند کنی و کف دست ها به آسمان بسپری شاخه های آویخته‌ی سبزش مجنونت می کنند و پرعشق، تا به راحت ادامه دهی . می روی و چشم می گشایی که همراه جمعیت مجنون از لبه ی جدول گذشـته ای و تنه ها سایه وار دوره ات کـرده اند تن به تنه در تنه که تنگ هم لفاف شـده درهم پیچ وتاب می خورند نرد عشق می بازند و بالا می روند. همان ها که برگ ها یکی یکی با وسـواس و رنگ به رنگ به سرشاخه هاشان آویخته. همان ها که انجیلی می گویند و ما می گوییمشـان هزارتوی عشـق، همان ها که تنه هاشان صاف است و صیقلی با لکه های روشن و تیره، همان ها که دست می کشی و آرامشـان از پوسـت تا رگ ها و تا قلبت روان می شود و آب می کند همه ی سـنگینی و دردهایت را، و رد می شوی و سبک می روی. بی چوب دستی و بی کفش کوه و بی دغدغه شیفته ی درخت ها می شوی و آدم ها، که چه شبیه اند اگر درخت ها دل و ریشه را از زمین می کنند و تبصره می نهادند و راه می افتادند، و آدم های این جا همه سبزند. جوان هایی که ترانه می شنوند، مردی که آواز می خواند، مرد و زن جوانی که ژاکت های سورمه ای و تی شرت های لیمویی‌شان می گوید می خواهند تا آخر با هم باشند دست در دست هم، جوانک تروفرزی با دو چوبدست که سومین بار است از بالا می آید گویی دو بال دارد.

ادامه دارد...

خبر

استاندارگلستان:

وحدت اقوام گلستان می تواند به مدل جهانی تبدیل شود

گرگان– اسـتاندار گلسـتان گفت: وحدت و همگرایی بین اقوام سـاکن در گلسـتان می تواند به مدل جهانی تبدیل شـود.به گزارش خبرنگار مهر، حسن صادقلو شامگاه چهارشنبه در دهمین جشنواره بین المللی فرهنگ اقوام اظهار کرد: خداوند در قرآن کریم اشـاره کرده اند که انسان ها را مختلف آفریده ایم پس می توان در نگاه به بشریت مختلف بودن انسان ها را امری ذاتی دانست.وی افزود: اقوام مختلف جلوه های انسـانی و فرهنگی هستند که در چنین جشنواره هایی نشانه، نماد و جلوه شوند. استاندار گلستان خواستگاه جشنواره فرهنگ اقوام را عالمانه و منطقی دانسـت و ادامه داد: تاکنون این جشنواره با حضور اقوام استان های مختلف ایران اسلامی و از امسال با حضور اقوام سایر کشورها برگزار شده است که می تواند نمونه و نمادی از وحدت باشـد.وی تصریح کرد: گلستان رنگین کمان اقوام و ایرانی کوچک است که دارای نوعی همجواری و همگرایی است که می تواند به یک مدل رفتاری تبدیل شود.وی با بیان اینکه این جشنواره در آینده می تواند به جشنواره ملل و اقوام دنیا تبدیا شود، اضافه کرد: تعداد اقوام در گلستان با همگرایی و زندگی مسـالمت آمیز بـه جای تهدید به فرصت تبدیل شده است.صادقلو خاطرنشان کرد: وحدت و همگرایی اقوام گلسـتان می تواند به یک مدل جهانی تبدیل شود.وی بیان کرد: هم اکنون دنیا از خشونت و نبود امنیت نگران است و با برگزاری این چنین جشنواره هایی می توان نگاه ملل را انسانی و همگرایانه کنیم.استاندار گلستان همچنین گفت:جشنواره فرهنگ اقوام بسـتر و زمینه ای برای مدل و الگو شـدن شـرکت و نماد فرهنـگ ها و ثروت هایی که هویت بخش هستند، است. به گفته صادقلو همه موسیقی های اقوام دارای محتوای غنی و هدایت بخش هستند که این جشنواره می تواند زمینه آشنایی بیش از پیش با آن ها را فراهم کند.

گلشن مهر
روزنامه
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶
۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵

فردریش فون هایک

نقد فلسفی اقتصاد سیاسی

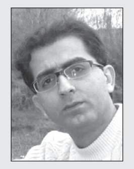

روزبه گیلاسیان – در این مطلب قصد داریم از منظری فلسفی به نقد و توضیح مبانی نظری اقتصاد سیاسی فون هایک بپردازیم. بر همین اسـاس سعی داریم با پرداختن به آرای یکی از بزرگ ترین و تاثیرگذارترین افراد شاخص این حوزه ، ضمن اشاره به نظریه های نوآورانه ، مبانی فلسـفی و پیش فرض های پنهان را بیرون کشیده تا درکی بهتر از مختصات اندیشه وی به دست دهیم.

الف – ایراد هایک به علم باوری :

یکی از روشنگری های هایک که در زمان خود پیشرو و متمایز کننده وی از خیلی از هم عصران پوزیتیویست خود بود، حمله او به علم باوری معطوف به علوم طبیعی و ایجاد تمایز مابین علوم طبیعی و علوم انسانی بود. هایک به استفاده نامناسب و بعضا نابخردانه از شیوه های رایج در علوم طبیعی برای بررسی و پیشبرد علوم اجتماعی انتقاد می کند. از نظر وی روش شناسی و متدولوژی علوم تجربی ، عین گرایانه (Objective) است در صورتیکه داده های علوم اجتماعی ذهنی (Subjective) می باشـد . به این جهت هایک معتقد است از آنجا که علوم اجتماعی با چیزی به نام سوژه انسانی سر و کار دارد باید ابزار های آن نیز در جهت هدفی انسانی تعریف گردد. پیشنهاد هایک استفاده از یک متدولوژی مرکب و ترکیبی است.

هایک در رسـاله «ضد انقلاب علم» ضمن اشاره به استیلای روش های علوم طبیعی بر ذهن و عمل دانشـمندان علوم اجتماعی ، سعی می کند اقتدار حاکم بر روش شناسی معطوف بر علوم طبیعی را زیر سوال برده و به عالمان علوم اجتماعی گوشزد کند از آنجا که بحث سوژه انسانی و سنجش روابط انسانی در می گیرد دیگر قادر نیستیم از عینیتی همانند آنچه در علوم طبیعی از آن سخن می گوییم صحبت نماییم.

هایک را می توان از نظر اقتصادی از پیروان مکتب فکری اتریش دانست. آنها به ریاضی شدن زیاده از حد نظریه اقتصادی بی اعتماد بودند و معتقد بودند که توضیح علمی کلیه واقعیات اقتصادی از طریق نظام معـادلات مستقل از زمان، امری غیر ممکن است.

چیزی که هایک از آن غفلت می کند یا شاید هنوز زمانه برای مداقه در آن به چنان بلوغی نرسیده است عدم امکان حصول به عینیت حتی در علوم طبیعی است. همان طور که می دانیم فلاسفه علم پوزیتیویست مکتب وین در آغاز سـعی داشتند که از نوعی وحدت علوم دفاع نمایند. آنها معتقد بودنـد هر علمی را می توان به فیزیک تحویل کرد. همچنین هر چیز تا جایی علمی است که بتوان آن را از طریق یک آزمون تجربی اثبات کرد. به تدریج این جریان نسبت به ادعاهای اولیه خویش کوتاه آمد؛آنها پذیرفتند نظریه ها قابل اثبات نیستند بلکه آنها را می توان تا حدی تایید کرد. همچنین بحث تحویل همه علوم به علمی واحد نظیر فیزیک نیز کم کم از زیر بار ادعایی که داشت شانه خالی کرد. هایک در همین شکاف سعی می کند از نوعی استقلال نسبی علوم اجتماعی دفاع کند. او می پذیرد که علوم طبیعی با عینیات سروکار دارند و علوم انسانی با امور ذهنی در گیر هستند ، اما همچنان قائل است که می توان از نوعی روش شناسی ترکیبی دفاع کرد که همزمان هم عینی باشد و هم مساله سوژه انسانی و هدف انسانی علوم اجتماعی را لحاظ کند. فرض رسالت انسانی برای علوم انسانی و عدم درک پیوند آن با قدرت و نیز تبارشناسی ظهور هر یک از علوم ، هایک را نسبت به کارکرد انسانی علوم اجتماعی تا حدی ساده نگار جلوه می دهد. او نمی تواند تعریف درستی از انسانی بودن اهداف علوم اجتماعی بدهد. همچنین عینیت علوم طبیعی بـرای هایک همچنان به عنوان عینیتی دوست داشتنی اما دست نایافتنی در علوم اجتماعی جلوه گر می شـود ؛ در حالیکه دسـتیابی به آن نوع عینیت خام گرایانه بدون دخالت اثرات سوژه انسانی هم کنون در علوم طبیعی نیز به زیر سوال رفته است.

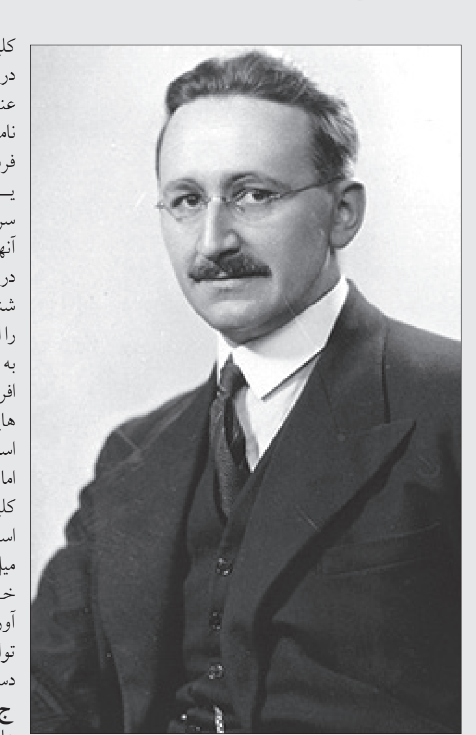

ب – فردگرایی متدولوژیک (Methodological Individualism) :

از لحـاظ هایک کلیات نظری صرفا از طریق ایجاد نوعی ارتباط مابین فردیات قابل بررسـی هسـتند. به این ترتیب چیزی چون طبقه اجتماعی یا پرولتاریا و ... تنها یک فرض نظری هسـتند که فـرض گرفتن آنها دال بـر وجود آنها نیسـت. آنچه ما با آن سـر و کار داریم و مستقیما قادر به شناسایی آنها هستیم پدیده های فردی است. کلیات نظری را باید همچون اصول موضوعه یا نظریه هایی درباره رابطه میان پدیده های فردی در نظر گرفت. این بحث هایک به فردگرایی متدولوژیک شهرت یافته است که نقطه مقابل نظریه جمع گرایان متدولوژیکی نظیر مارکس و دورکیم است. باید پرسید چگونه بدون وساطت یک کلی می توان به سراغ فردیت ها رفت؟ آیا هر فرد یا هر واقعه و رخداد فردی خود صرفا در قالب کلیات و به واسط میانجی قرار دادن بعضی از مفاهیم کلی قابل بیان نیست؟ اینکه کلیات اجتماعی یا نظری واقعا وجود ندارند امر درستی است اما اینکه بگوییم چیزی به اسم فردیت ها نیز واقعا وجود دارند به همان میزان دارای اشـکال است. سر آخر آیا می توان رابطه دو کلی را در علوم اجتماعی بررسـی کرد؟ یعنی آیا می توان رابطه بین طبقه پرولتاریا و طبقه سرمایه دار را بررسی کرد؟ هایک معتقد اسـت این کار شدنی اسـت تنها در صورتیکه از افراد شروع کنیم نه از کلیات. اما باید پرسید افراد پیش از آنکه در داخل کلیات نظری جای بگیرند به عنوان یک فرد لخت و تنها چگونه قابل نامگذاری هستند؟ چگونه می توان یک فرد را بـدون در نظر گرفتن در داخل یـک کلی عضوی از طبقه پلورتاریا یا سرمایه دار دانست و سپس به مقایسه آنها پرداخت؟

در اینجا گویی نوعـی دوریت روش شناسانه مطرح اسـت که می توان آن را این گونه صورت بندی کرد : کلیات به واسطه افراد شناخته می شود یا این افراد هستند که به کلیات معنا می دهند؟ هایک معتقد اسـت که با بررسی افراد است که می توان یک کلی را انتزاع کرد اما در برابر می توان گفت بدون وجود کلیات نظری مواجه با افراد غیر ممکن است. در اینجا گویی هایک ، علی رغم میل باطنی ، به نوعی پوزیتیوست گرایی خـام گرایش دارد کـه از طریق جمع آوری شاهدها و مشاهدات فردی می توان به ایجاد نظریه ای درباره این افراد دست یافت.

ج – ساختگرایی :

هایک به نوعی ساختگرایی باور دارد. از نظر او «اگر ساختار اجتماعی می تواند به همان شکل سابق باقی بماند ، حال آنکه افراد مختلف دائما جانشین یکدیگر می شوند ، به این علت نیست که افراد مختلف ... کاملا عین هم هستند ، بلکه به این دلیل است که آنها در مجموعه ای از روابط خاص و نگرش های خاص نسـبت به یکدیگر جانشین هم می شوند و هر کسی نیز به نوبه خود موضوع نگرش خاص دیگران به خود است».در نتیجه به گمان هایک علی رغم تفاوت موجود بین افراد انسـانی ، چیزی همچون سـاختار و روابط ساختاری وجود دارد که افراد تنها در آن نقش بازیگران خواست ساختار را بازی می کنند. آنها در این سـاختار با هم جا به جا می شـوند ، اما سـاختار است که به همان شکل قبلی باقی می ماند. در اینجا گویی ساختگرایی هایـک با فردگرایی متدولوژیک او در نوعی تقابل قرار می گیرند. چرا که می توان ساختار را یک کل غیر قابل موجود دانست. از این رو طبق نظریه فردگرایی متدولوژیک باید با شناخت افراد به درک ساختار دست یافت در صورتیکه بر طبق نظریه ساختگرای هایک افراد به رغم تفاوت های خود محصور در ساختار بوده و تعویض و جانشینی آنها خللی در ساختار به وجود نمی آورد. همچنین هایک باید به این معضل پاسخ دهد که تغییر ساختارها و جایگزینی آنها با هم چگونه به وقوع می پیوندد؟ آیا افراد انسانی هیچ نقشی در دگرگونی ساختارها نداشته و ندارند؟ در این صورت تفاوت های به رسمیت شناخته شده افراد چه تاثیری بر ساختار گذاشته و تا چه حد از آن تاثیر می گیرند؟

د – تمثیل گذرگاه :

هایک می پرسـد گذرگاه های عبور و مرور در دشـت ها و جنگل ها چگونه بوجود می آید؟ او پاسخ می دهد که یک فرد به هر دلیل راهی را انتخاب می کند ؛ با عبور آن فرد، این راه تبدیل به گذرگاه می شـود چرا که افراد ترجیح می دهند از راهی عبور کنند که قبلا امتحان شده تا یک راه ناشناخته را برگزینند. به این ترتیب گذرگاه ها به صورت طبیعی ساخته می شود. از نظر هایک این امر مغایرتی با امکان پذیری استفاده از راه های دیگر ندارد. هایک از این تمثیل استفاده می کند تا نشان دهد در عرصه اجتماعی و سیاسی نیز ، گذرگاه هایی می تواند ساخته شود بدون آنکه متکی به اعمال زور یا قانون باشـد. به این ترتیب آزادی فردی نیز خدشه دار نمی شود. همانطور که در آینده خواهیم دید ، هایک مخالف هر نوع دخل و تصرف چیزی نظیر دولت یا قوانین وضعی برای اداره و کنترل کردن جامعه است. در نتیجه تمثیلی که او به کار می برد اشاره به نوعی ایجاد وضعیت ثبات بدون دخل و تصرف نیرویی خارجی است. پیش فرض آن این است که افراد در نهایت به تفاهم می رسند و به طور معمول همگان بر سر یک نوع روش و طریقه زندگی به اجماع می رسند. در نتیجه از نظر هایک افراد ذاتا محافظه کار هستند به این معنی که سعی نمی کنند روش های جدید یا طرق ناشناخته را استفاده کرده و ریسک و خطر این نوع از استفاده را به جان بخرند. همچنین هایک قادر نیست تضادها و درگیری های مهلک قدرت ها برای باز سازی گذرگاه ها بنا بر خواسـت و منافع خویش را دیده و تبیین نماید. مبنای چنین نظری تفاهم افراد بر روی گزینه های معقول و مصروف شده است در حالیکه در خیلی از اوقات گذرگاه ها را قدرت حاکم بر روابط بین افراد تعیین می نماید. در نتیجه علی رغم آنکه هایک بارها اشـاره کرده است که « عنوان «محافظه کار» ی را برای خود رد می کند. » اما در هر حال نظریه او بر نوعی حفظ شرایط موجود صحه می گذارد. همچنین برای هایک مهم نیست که یک گذرگاه بر اساس چه مکانیسمی بوجود آمده است و برای ایجاد آن چه حق و حقوقی پایمال شده یا وضع شده است. از این رو اطلاق گذرگاه طبیعی گویی نوعی چشم پوشیدن به تقلاهای قدرت های موجود در ایجاد گذرگاه هایی منطبق بر منافع خویش اسـت. در این صورت می توان گفت چیزی به نام گذرگاه طبیعی در عرصه علوم اجتماعی وجود ندارد بلکه درگیری بی پایانی از نیروهایی وجود دارد که اگرچـه نتوان آنها را در یک طرح عقلانی بیان کرد اما نادیده گرفتن آن خالی از اشکال نیست.

بخش دوم گفتگوی گلشن مهر با علی نجات غلامی

پدیدارشناسی و مارکسیسم

حال از حیث نقشه‌ی مفهومی بگویید اگرچه خب با این گستردگی دو سنت شاید دشوار باشد.

نجات غلامی: بله طبعاً با این گستردگی ترسیم نقشه آنهم در این مجال اندک بسیار دشوار است، با این حال اگر سرخطهای اصلی دو مکتب را در نظر بگیریم شاید بتوانیم نکاتی عام را بگوییم. اساساً پدیدارشناسی جریانی است که با نقدی بر روانشناسی انگاری شروع می‌شود که عینیت امور منطقی را به امور روانی بر می‌گرداند. در واقع از گونه‌ای رئالیته‌ی منطقی دفاع می‌کند که خب این می‌تواند به نحوی ضدایده‌آلیستی هم فهم شود و تقریباً تمام مارکسیست‌ها با این نکته از مارکسیسم شوروی گرفته تا آدرنو موافق‌اند، به قول آدرنو «همچنان حقیقت‌اش را داراست». اما چیزی که اینجا ابهام ایجاد می‌کند یک رویه‌ی استاتیک است که در اثبات این رئالیته در پژوهش‌های منطقی می‌بینند و آن را با دینامیسم دیالکتیکی مارکسیستی در تقابل می‌بینند. حال هوسرل این نقد بر روانشناسی انگاری را ادامه می‌دهد و در می‌یابد که ریشه در یک «طبیعی‌انگاری» دارد که ریشه‌ی علوم پوزیتیو مدرن است. همان‌طور که در متن برنامه‌ای و مانیفستی هوسرل، فلسفه به‌مثابه علم متقن (۱۹۱۱) می‌بینیم هوسرل هم این طبیعی‌انگاری را که مبنای علوم پوزیتیو مدرن است نقد می‌کند و هم بدیل آن را؛ یعنی «تاریخی انگاری» از هگل تا دیلتای که معتقد است گونه‌ای واکنش ضعیف و نظرورزانه به سیطره‌ی ناتورالیسم بود که همین سنخ واکنش‌ها در هیات‌هایی اگزیستانسیالیستی و ناعقلانیت‌انگارانه نیز اسـاس معنای «متقن» و فلسفیِ علم را به دلیل معنای انحرافیِ «دقیقه‌ی» علوم پوزیتیو متلاشی می‌کنند و تفکر را نابود می‌کنند. از اینَ رو هوسـرل درَ کتاب ایده‌هاI دومین کتاب اصلی‌اش در ۱۹۱۳ به شکلی رادیکال «جهانِ مستقل از آگاهی» را یک فرض حاصل از متافیزیکِ رئالیستی می داند که باعث چیرگی علوم دقیقه و واکنش‌های تاریخی‌انگارانه و ناعقلانیت‌انگارانه بدانها شده است و لذا وجود و اعتبار آن را تعلیق می‌کند. پر واضح است که در اینجا نقد هردوی طبیعی‌انگاری و تاریخی‌انگاری می‌تواند هر دو رکن ماتریالیسم و دیالکتیک تاریخی را به مخاطره بیاندازد و بازگشـت هوسرل به سوبژکتیویته گونه‌ای رجعت ایده‌آلیسـتی تلقی شود. به همین دلیل آدرنو در مقاله هوسرل و مسئله‌ی ایده‌آلیسم تمام تلاش‌اش را می‌کند تا نظر به نقدهایی بر مفاهیمی همچون شهود مقولی ثابت کند پروژه‌ی هوسرل آنگونه که به ایده‌هاI می‌رسد یک پروژه‌ی ایده‌آلیستی است. حال هوسرل حدود دو دهه اثری منتشر نمی‌کند اگرچه دهها هزار صفحه می‌نویسد و در اواخر عمر چند کتاب از جمله دو فصل نخست کتاب بحران را قبل از مرگ منتشر می‌کند. این کتاب هم حاوی بحثی تاریخی است و هم به شدت روحیه‌ای نقادانه دارد و هم از آن مطلقیت اگو در ایده‌هاI به سمت «زیست‌جهان» عقب‌تر رفته است. طبعاً آدرنو این اتفاق را یک غافلگیری ناشی از گونه‌ای چرخش می‌فهمد و در نقد هوسرل روی آن کتاب زوم نمی‌کند. مارکوزه در سخنرانی‌ای که درباره‌ی کتاب بحران دارد چرخشی را در کار هوسرل مسلم می‌گیرد و معتقد است که «آخرین و بزرگ‌ترین» فلاسفه‌ای در بین نیچه و دیگران است که به عقلانیتِ علمیِ مدرن یورش برده است. جالب اینکه در همان سـخنرانی آرون گورویچ دوست هوسرل حضور دارد و در سخنرانی‌ای پس از مارکوزه می‌گوید که برداشـت مارکوزه شخصی و ناشی از عدم آشـنایی با دستنوشته‌های هوسرل و فصل سـوم بحران است که نشان می‌دهند چنین چرخشی در کار هوسرل نیست و هوسرل از ۱۹۰۷ تا آخر عمر پروژه‌ای یکدست داشته است. این پروژه اساساً با نقد سنخ پوزیتیوی از علم شروع شده است که فلسفه به مثابه علم کلی را که رنسانس برای احیای آن شروع شد با تقلیل گرایی ریاضیاتی سازانه‌ی گالیله‌ای منحرف کرد و سبب بحران گردید. خود من که مترجم کتاب بحران و بسیاری دیگر از نوشته‌های هوسرل هستم کاملاً با حرف گورویچ موافقم. چرخشی در کار هوسرل به آن معنای رادیکال وجود ندارد و ظهور مفهوم تاریخ نیز در کتاب بحران بدواً به معنایی بجز تحلیل تاریخ یک بحران نیست. هدف هوسرل نجات فلسفه از فروکاست‌گرایی علمی پوزیتیو است که حقیقت و رئالیته را به نحوی ابژکتیویستی بر مفهوم «اندازه‌گیری» مبتنی می‌کند. در واقع در پی تحقق چیزی اسـت که به آن «رنسانس نو» می‌گوید. وی در فصل سوم باز هم پروژه‌ی اصلی‌اش یعنی ابتنای علم و فلسفه و زندگی بر سنگ بنای سوبژکتیویته‌ی فرارونده و نقد روانشناسی و تصور ذهن از سوبژکتیویته از هابز تا وونت و نیز تلاش برای احیای معانی فراروندگی از دکارت تا کانت را موکد می‌سازد. اگرچه این سوبژکتیویته درحاق خودش بیناسوبژکتیو و اجتماعی است و وحدت اگوییک انسان‌ها در افقی تکوینی و تکوّنی در بسـتر زمان–آگاهی قوام می‌گیرد که هوسرل از ۱۹۱۷ آن را باز کرده بود و نشـان داده بود که چرا وقتیِ گفته بود «ما برگسـونی‌های راستین هستیم» برخلاف نظر آدرنو کاملاً درست گفته بود و اندیشه‌اش «استاتیک و آیینه‌ای» نبوده است و کاملاً در زیرلایه مباحث استاتیک در ایده‌هاI یک وجه زمانمندی را بسط داده بود. حال دقیقاً همینجاست که مارکسیسم غربی بویژه لوکاچ می‌تواند با پدیدارشناسی فرارونده‌ی هوسرل همدل‌تر شـود. لوکاچ که به مارکس فلسفی‌تر دست‌نوشته‌ها اقتصادی فلسفی و گروندریسه و غیره نظر مساعدتری داشت، از قضاء با روحیه‌ی علمی–پوزیتیو مارکس مثلاً در کاپیتال مخالفت داشت. از نظر لوکاچ ایمان کورکورانـه‌ی مارکس و انگلس به علم پوزیتیو و مبتنی بر «اندازه‌گیری» فاکت‌ها توجیه‌ناپذیر است. چونانکه در اوایل کاپیتال می‌بینیم مارکس نیز مانند همه دانشمندان مدرن کاملاً فهم‌اش را از اقتصاد بر «اندازه» و کمیت برای تعیین ارزش کالا مبتنی می‌کند و از همه‌ی خصایص کیفی به اسم ذهنی منتزع می‌شود. این در حالی است که این رویکردِ علمیِ پوزیتیو با سـوبژکتیویته‌ای که مارکس در دفاع از آن اساسـا مارکس شدَ به راحتی آشتی‌پذیر نیست. لذا لوکاچ می‌تواند درک کند که مراد هوسرل از «آگاهی» نه ذهنیت روانشناختی بلکه همان خودبودگی انسانی و جمعی‌ای است که مارکس فیلسوف در پی آن بود. حال به نظرِ من کتاب بحران را قبل از اینکه در وجهی سطحیِ همچون هابرماس با تکیه بر مفهوم زیست‌جهان فهم کنیم و آن را سریعاً با شرایط تاریخی–مادی مارکس همخوان کنیم و از آن «حوزه‌ی عمومی» بفهمیم، باید آن را با تکیه بر نقد اساسی‌اش بر مفهوم اندازه‌گیری و کمی‌سازی ریاضی‌سازانه‌ای بفهمیم که تمام آنتی‌تزهای مدرن را شکل داده است. البته نه همچون آدرنو و مارکوزه فکر کنیم که فقط نقدی بر عقلانیت ابزاری است که این عقلانیت ابزاری هم نتیجه‌ی تاریخی–دیالکتیکی عقلانیت یونانی است. برای هوسرل این عقل ریاضی‌سازانه‌ی مدرن، انحرافی از ایده‌ی عقل کلی اسـت که رنسـانس می‌خواست آن را احیاء کند. او تز عقل ریاضیاتی‌سـازانه و آنتی‌تز ناعقلانی‌اش را اساساً عناصری از یک بحران می‌دانسـت و معتقد بود که ناعقلانیت‌انگاری و اگزیستانسیالیسم و غیره صوری از «عقل تنبل»اند که در مبانی خودش به حد کافی نمی‌اندیشد.

گلشن مهر: حال هایدگر کجا قرار می‌گیرد؟ نقدش بر سوبژکتیویسم هوسرل آیا به هر معنا به معنای بازگشت به همان ابژکتیویسمی است که هوسرل آن را نقد می‌کند؟ هایدگر چگونه پدیدارشناسی را بازتعریف می‌کند و جریانات هایدگری‌تر پدیدارشناسـی اگزیستانسیالیستی و هرمنوتیکی چطور با مارکسیسم مواجهه می‌یابند؟

نجات غلامی: خب این سـئوالات هم مثل سـئوال قبلی نیاز به بحث طولانی دارد اما سعی می‌کنم خیلی خلاصه بگویم. هایدگر اساساً نقدش بر سوبژکتیویسم، نقدش بر قرائت نوکانتی‌ها از کانت است که کانت را به نظر او به یک «نظریه‌ی شناخت» تقلیل می‌دهند و وجه انتولوژیک کار کانت و دیگر فلاسفه را نمی‌بینند و هوسرل ایده‌هاI را هم نزدیک به این امر می‌داند که با اپوخه کردن جهانِ مستقل از آگاهی نمی‌تواند پرسش از وجودِ خودِ آگاهی را طرح کند. در واقعِ هایدگر با نقد سوبژکتیویسم به ابژکتیویسم برنمی‌گردد بلکه می‌خواهد عقب‌تـر رفته و از هستی خود سوبژکتیویته‌ی فرارونده و در نتیجه جهان‌مندی‌اش پرسش کند و بَه همین دلیل به جای اصطلاح سوبژکتیویته از «دازاین» استفاده می‌کند تا وجه انتولوژیک‌اش را نمایان سازد. در نامه‌های سال ۱۹۲۸ به هوسرل سعی می‌کند دقیقاً بگوید که موضع‌اش چیسـت. او می‌گوید نقدهایم بر شـما مقداری ناشی از مطالعه نکردن دست‌نوشته‌های شما بوده و صرفاً صوری‌اند و در واقع تأکید دارم هستی و زمان را در چارچوب پروژه سوبژکتیویته فرارونده‌ی شما نوشته‌ام، اما الان نقدم این است که فراگیریِ اپوخه تا کجا؟ آیا می‌تواند وجود خودِ سـوبژکتیویته‌ی فرارونده را هم شـامل شود؟ ما جهانِ وضع‌شده‌ی سوبژکتیویته که مستقل از آن فرض شده بود را تعلیق کَردیم تا به فلسـفه‌ی اولی برسـیم خب این درست. اما خب مگر مسئله یا موضوع فلسفه اولی هستی به ماهو هستی نبود، حالا که هسـتیِ وضع‌شده یعنی پوزیتیو را اپوخه کردیم آیا نباید از هستی خود سـوبژکتیویته پرسش کنیم؟ یعنی نه در معنای آن انتولوژی خام بلکه در یک انتولوژی بنیادین؟ حال هوسـرل معتقد است که نحوه‌ی تقریر این مسـئله در هسـتی و زمان به سـمت انتروپولوژیسم یعنی انسان‌شناسی‌انگاری رفته اسـت که نحوه‌ای از همان تاریخی‌انگاری است و در واقع از دل‌اش گونه‌ای اگزیستانسیالیسم ضدعقلانیت‌انگار بیرون می‌آید. حال نمی‌خواهم وارد جزییات این نزاع شوم که بگویم حق با چه کسـی بود یا اساساً چقدر همدیگر را به خوبی فهمیدند یا اصلاً آنقدر که فکر می‌کردند اختلاف نظر داشتند یا نه. اما به هر حال پدیدارشناسی هایدگر مباحث انتولوژیکی را پیش کشید که طبعاً توأم بـا تعدیلاتی در مفاهیمی پایه‌ای همچـون روی‌آورندگی و نیز تغییر رویکرد تأملی از توصیفی به تفسـیری بود. که خب دستاوردهای آن در جمع با دسـتاوردهایی از هوسـرل و دیگران از یک سو به سمت مباحث اگزیستانسیالیستی‌تر سارتر و مرلوپونتی رفت و از سوی دیگر به سمت هرمنوتیک گادامر و ریکور که به هر حال این جریانات طبعاً در دیالوگ با جریان پسامارکسیستی و نیز نسل دوم مکتب فرانکفورت قـرار گرفتند. این جریانات در واقـع به نحو تماتیک با این جریانات پدیدارشناختی دیالوگ داشتند و از مباحث آن مانند بدنمندی و غیره ضمن نقدها و واسازی‌ها استفاده می‌کردند.

گلشن مهر: سئوال آخر آیا پدیدارشناسی چپ است؟

نجات غلامی: سـئوال سـختی اسـت. پدیدارشناسـی به آن معنایی چپ اسـت که خود فلسـفه چپ اسـت. فلسـفه در معنای راستینِ هراکلیتی–پارمنیـدی‌اش یعنی غلبه بر دوکسـای بسـیاران، غلبه برَ گمان‌هـای عادت‌واره. پس به اعلی‌درجه رادیکال و انتقادی اسـت و هیچ مفروضی را از تیغ پرسـش در امـان نمی‌دارد. به این معنا هرگز کانسرواتیستی نیسـت. و خود هوسرل در خطابه‌ی وین می‌گوید «از قـرار، من به ظاهر محافظـه‌کار، از هر انقلابـی‌ای انقلابی‌تر بوده‌ام». اما خب بایَد دقت داشـت که مفهوم انقـلاب اینجا در معنای اصلی کپرنیکی است. قطعاً اولریش مله رئیس آرشیو هوسرل به درستی گفته است که «پدیدارشناسی فرارونده به ما کمک می‌کند تا در مقابل آواز قدرتمند سیرن‌ها با مواعید دروغین آزادی و رفاه و ثروت جهان–شهر صنعتی–کاپیتالیستی مقاومت کنیم». اما قطعاً چنین مقاومتی با ترکانیدنَ فلسـفه در خیابان نیسـت، به صرف اعتصابی و یورشی نیست، کار یک‌شـبه‌ای نیسـت که لنینی قیام کند و با تغییر رأس قدرت، جهان به طرفه‌العینی گل و بلبل شـود. بلکه کاری از زیر بنیان سـاختارهای جهان‌بینی و عبوری آرام و در تعاونی جمعی ضمن کار عملی و نظری، از «جهان‌های خصوصی» به سـوی «جهانِ مشترکِ بیدار برای همه‌ی هراکلیتی» است در نقطه‌ای دور و به یاری عَقلِ تنها.

یادداشت

مشق جدید

محمدایمانی

آیا «ایـران» به عنوان ابژه تحقیق و تامل، می تواند موضـوع علـم جامعـه شناسـی قرار گیرد؟ اگر جامعه شناسی علم مطالعه جامعه مدرن است، آیا می تـوان ایران را جامعه ای مدرن دانسـت؟ بر اساس کدام معیارها؟ و اگر نه آیا قوم شناسی که علم مطالعه جوامع سنتی است جایگزین خوبی برای مطالعه و شناخت ایران است؟ آیا ایران دارای جامعه ای سـنتی است؟ آیا تجربـه تمدنی ایـران، آن را از اجتماعاتی کـه موضوع مطالعـه علم قوم شناسـی یا اتنولوژی هستند، همچون قبایل آفریقایی، اسـترالیایی و آمریکای لاتین، متمایز نمی کند؟ جامعه شناسـی چگونـه وارد ایران شـد؟ دستاورد پنجاه سـاله جامعه شناسی در ایـران چیسـت؟؟؟ آیا جامعه شناسـی در دانشگاه های ایران پناهگاه روشنفکران شکسـت خورده چپی است که نه سودی بـرای کشـور و حـل مشـکلات آن و نه سودی در پیش بردن تحقیقات دانشگاهی در مقایسـه با استاندارد جهانی دارند؟ چرا بسیاری از جامعه شناسـان ایرانی مخالف و منتقـد اقتصاد بازار هسـتند و به ندرت سـخنی معنادار درباره اقتصـاد می زنند؟ چـرا خروجی ۵ دهه تکوین نهادی جامعه شناسی در ایران تقریبا هیچ است؟ آیا پایان نامه های رشـته جامعه شناسی که کمابیش جملگی از الگویی کلیشـه ای تبعیت می کنند، توانسـته اند تحقیقی جالب توجه و اسـتاندارد ارائه دهنـد و حـرف جدیدی دربـاره موضوع خود بزنند؟ این سـؤالات و سـؤالاتی دیگر سالهاسـت ذهن مرا به خود مشغول کرده اند. آیا شما هم پرسشی دارید؟با غوررسـی آثار سیاسی حد فاصل قرن هفدهم تا نوزدهـم یک حقیقت مهم آشکار می شود و آن اینکه کاربرد و معنای بسـیاری از مفاهیم اساسـی سیاسی که از زبانهای یونانی و لاتین وارد زبانهای جدید اروپایی شـده انـد، دسـتخوش تحولاتی اساسی می شود. از آنجا که هنوز مضامینی جدید برای این مفاهیم تثبیت نشده است، می بینیم که هر نویسـنده ای سعی می کند بسیاری از این مفاهیم را خود تعریف کند. به همین دلیل به نـدرت می توان دریافت نویسـندگان قـرن هفدهم یا نوزدهـم توافقی قطعی بر سـر کاربرد و معنای بسیاری از این مفاهیم یافت. اینجا باید پرسید چه تحولی در نظام مفاهیم اندیشـیدن در غرب رخ داده است. صـرف تاریخنـگاری مفاهیم کـه البته به بهترین نحو توسط محققان غربی صورت گرفته اسـت، بـرای ما، چیـزی جز یک اشـتغال انتزاعی به پژوهـش در ناحیه ای از دانش بشـری نمی تواند باشد و مهمتر از آن، چیـزی اضافه بـر اطلاعاتی درباره کاربرد مفاهیم نزد نویسـندگان مختلف به ما نمـی دهد. ما از مطالعـه صرف تاریخ مفاهیـم، نمی توانیم پـی ببریم که در حد فاصل رنسانس تا قرن نوزدهم چه تحولی در نظام های اندیشـیدن غربـی رخ داده اسـت. برای یافتن پاسخی بر این پرسش، لاجرم باید از در تنگی وارد شـد که قادر به تبیین این تحول باشیم.

دکتری فلسفه سیاسی

کتب در دست ترجمه

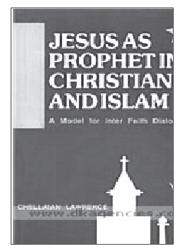

عنوان اثر به‌انگلیسی: Jesus As Prophet in Christianity And Islam: A Model for Interfaith Dialogue

عنوان اثر به فارسـی: عیسی(ع) به عنوان پیامبر در مسـیحیت و اسـلام: مدلی برای گفتگوی بین ادیانی

نویسنده: Chellaian Lawrence

مترجم: عارفـه گودرزونـد چگینی(دکتری مطالعـات تطبیقی ادیـان گرایـش الاهیات مسیحی–دانشگاه ادیان و مذاهب قم)

وضعیت ترجمه: در دست ترجمه

ناشر انگلیسی: Rev.ISPCK.Delhi.۱۹۹۷

ناشر فارسی: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

خلاصـه ای از اثـر بـه فارسـی: از نـگاه نویسـنده کتـاب، گفت و گوی اسـلام و مسـیحیت یک مواجهه گریزناپذیر است. فهم مسـلمانان از عیسـی مسـیح، با فهم مسیحیان از عیسی بسـیار متفاوت است. در مسیحیت، عیسی مسـیح یک پارادایم محسوب می شود، یعنی خودِ عیسی، یک نظام عقیدتی مستقلی است که آموزه های فراوانی حول محور او شـکل می گیرد. در اسـلام نیز هرچند که مقام و منزلت متعالی مسیح را می سـتایند، اما او تنها یک پیامبر همچون سـایر پیامبران است. با وجود این اختلافا مسـیحیان و مسـلمانان می توانند وارد یک گفت و گو با محوریت شخصیت عیسی شوند. هدف کتاب، حرکت به سوی گفتگویی سازنده و فراتر رفتن از مجادلات سنتی مسلمانان و مسیحیان است.

اشراق اندیشه

علی‌ثباتی

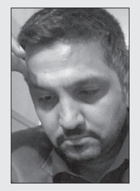

– «جغدِ مینروا شب بال می‌گشاید». مرادِ هگل از این گفته آن است که فلسفه و اندیشه‌ی مفهومی و نظری در شـبِ دوران و سـیاهی روزگار بنا به اندیشیدن می‌کند. یعنی، درست وقتی که ظلمتِ تاریخ درمی‌رسـد و وضعیّـتِ تاریخی موجود وضـوح و تمایز و تعریف سرراسـت خود را از دسـت می‌دهد – یا به‌بیانِ عرفای خودمان وقتی «روزگار شدّت» فرامی‌رسد – تازه کارِ فلسفه آغاز می‌شود. یقیناً ما مردمان خاورمیانه‌ی کنونی که در غرقآبِ بی‌اعتمادی به سـنّت‌ها، بی‌باوری به این‌که این خطّه هرگز بتوانـد روی آرامش و صلح را ببیند، و هم‌زمان – به‌حـق – دل‌چرکین از آن‌چه زمانی قبلـه‌ی آمال‌مان بود و غرب‌اش می‌نامیدیم و هم‌زمان دل‌بریده از هرآن امکان تحوّل شایسـته و انسانی که از حکومت‌های کشورهامان بشود انتظارش را داشت، در شرایطی که نه بومی‌سازی اندیشه و نه وام‌گرفتن و ترجمه‌ی آن، هیچ‌کدام، نتوانسته پاسخی به ابهاماتی بدهد که مثل هوا دربرمان گرفته، پُربی‌راه نیست که بگوییم دقیقاً در آن هنگامه‌ای هستیم که ظلمتِ تاریخی، ایّام شدّت و فترتِ تاریخی‌سـت. درست در لحظات نگاشته‌شـدن این یادداشت شـمار قربانیان آخرین انفجار تروریسـتی در ترکیه به بیش از ۶۰ نفر رسیده‌سـت، سوریه به دام‌گه حادثه و لکّه‌ی ننگی بر چهره‌ی بشریّت در سراسر جهان تبدیل شده، رشد مکاتب بنیادگرای اسلامی در پاکستان و افغانستان بی‌سابقه بوده به بالاترین حدّممکن رسیده‌ست، ایران وسط تهدیدهای قومیّتی، جنگی نیابتی، تحریم، فشار بین‌المللی، فجایع مدیریّتی و اقتصادی، و نهایتاً استبداد پاره‌پاره می‌شود، عراق ویرانی‌ای نیست که در این سال‌ها تجربه نکرده باشد، و از هرگوشه‌ی خاک خاورمیانه پرسشی خونین و خطرناک قد عَلَم کرده‌ست. باری، شب اسـت، درمعنای اخصّ کلمه، ظلماتِ تاریخی، دوران شدّت، کشتار، مرگ، بنیادگرایی، داعش، اسـتبداد دینیِ، قومیّت‌زدگی، شکاف طبقاتی، تحریم، جنگ رودررو و نیابتی، صدور تروریسم، واردات تروریسم، فروپاشیِ پیوندهای اجتماعی و بالاگرفتـن آتش پُرلهیب نزاع‌های اجتماعـی وَ مذهبی و فرقه‌ای و سیاسـی و اقتصادی، شبِ تاریخ است، سیاهی و تباهی چیره‌دست، و تردیدی نباید داشت که جغد مینروای ما هم‌اکنون باید بالَ بگشاید چون وقتی تاریخ معنای خود را از دست می‌دهد و در خون و قساوت غرق می‌شود، جز به‌مدد اندیشه نمی‌توان پاسخی فراهم آورد که راهِ عبور از این هنگامه‌ی بلا راَ نشان ما یا دست‌کم آیندگانِ ما بدهد.

معرفی کتاب

نگاهی به عقاید النساء

حامدروشنی

– «بدانکـه افضل علمای زنان پنج نفرند: اول بی‌بی شـاه زینب، دوم کلثـوم ننـه، سـوم خاله‌جان‌آقا، چهارم باجی یاسـمن، پنجم دده بـزم‌آرا. و آنچه از اقـوال آنها به دسـت بیاید، نهایـت وثوق دارد و محل اعتماد است؛ و به غیر از این پنج نفر، بسـیاری نیز هستند کـه ذکر آنها موجـب طول کلام می‌شود.»عقاید النسـاء یا کلثوم ننه قدیمی ترین کتابی اسـت که دربارهٔ اخلاق و آداب و رسـوم زنان عامی ایران نوشته شده است. این کتاب در دوره صفویه و به زبان فارسی نوشتهٔ محمد بن حسین خوانساری معروف به آقا جمال خوانساری است که در دوره علامه مجلسی و علامه میرزا شیروانی بوده است. آقاجمال از خانواده ای مذهبی و از بزرگان دین و فقیهان نامدار زمان خویش بود که آثار او در فقه مشهور است.صادق هدایت در کتاب نیرنگستان دربارهٔ این کتاب میگوید: «تنها کتابی که میشـود گفت راجع به آداب و رسوم عوام نوشـته شـده، همان کتاب معروف کلثوم ننه، تالیف آقاجمال خوانسـاری است که به زبانهای خارجه هم ترجمه شده و فارسی آن در دسترس همه میباشد. اگرچه بعضی از مطالب آن اغراق آمیز بنظر میآید زیرا نباید فراموش کرد که بیشتر این عادات و خرافات امروزه منسـوخ شده و از بین رفته اسـت و چیزی که قابل توجه اسـت، حتی پیرزنها هم آنرا با نظر تمسخر تلقی میکنند. خرافات هـم مانند همه گونه عقاید و افکار، زندگی بخصوص دارد، گاهی بوجود میآید و جانشین خرافات دیگر میشود و زمانی از بین میرود البتـه اگر آنها را بحال خود بگذارند جنبـه الوهیت خود را تا دیر زمانی نگه میدارند چون مردم عوام آنها را مانند مکاشفات و وحی الهی دانسـته، به یکدیگر انتقال میدهند.. امـروزه در همه ممالک متمدن، دسته ای از دانشمندان، خرافات همه ملل دنیا را از ممالک متمدن گرفته تا قبایل وحشی آفریقا و استرالیا جمع‌آوری کرده‌اند و تشـکیل صدها کتاب را میدهد، چنانکه پس از مقایسه و تطبیق آنها با یکدیگر یک رشـته علم تازه بوجود آمده که دانش عوام یا «فلکلر» مینامند.»